

بازنگری قوانین و مقررات حرفه‌ی حسابرسی

گزارش میزگرد همایش «فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی حرفه‌ی حسابرسی در ایران» با حضور (به ترتیب الفبا):
مهرداد جباری، سعید جمشیدی فرد، غلامحسین دوانی، حمیدرضا کیهانی و هوشنگ نادریان





◀ سعید جمشیدی فرد:

میزگرد حاضر به بحث بر سر قوانین و مقررات مربوط به حرفه‌ی حسابرسی اختصاص دارد. با توجه به تنوع طرح‌ها و لایحه‌ای که هم‌اکنون در جریان بحث است و پیشنهادهایی که در زمینه‌ی اصلاح اساسنامه مطرح شده به نظر می‌رسد مباحث این میزگرد می‌تواند به ارتقای کیفیت بررسی‌ها کمک کند. نخست از جناب آقای نادریان سؤال می‌کنم. شما مسئولیت مدیریتی در بخش دولتی حسابرسی داشته‌اید و مؤسسه‌دار نیز بوده‌اید و به‌عنوان عضو جامعه با ویژگی‌های مالکیتی آشنا و نقش برجسته‌ای در تدوین قوانین و مقررات جامعه از ابتدا تاکنون داشته‌اید. به نظر می‌آید شما با نگاهی که از درون در سطح سیاست‌گذاری، طی دو دهه‌ای که جامعه تشکیل شده دارید، بتوانید ارزیابی‌ای از این روند ارائه دهید. چرا اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که باید مقررات بالادستی مان تغییر پیدا کند؟

◀ هوشنگ نادریان

همان‌طور که استحضار دارید و دکتر جمشیدی فرد هم در مقدمه گفتند جامعه‌ی حسابداران رسمی بعد از یک بازه‌ی زمانی هشت‌ساله‌ی انتظار، از مرحله تصویب قانون در سال ۱۳۷۲، بالاخره در سال ۱۳۸۰ پا گرفت و شروع به کار کرد. ابتدای کار امکانات بسیار کم بود. خاطرم هست که دوره‌ی

اول که آقای دکتر ثقفی دبیرکل بودند، در محل سازمان حضور پیدا می‌کردیم، تا ایشان بعداً توانستند ساختمانی برای جامعه فراهم کند. جامعه با این وضعیت کار را شروع کرد. از آن تعداد اولیه اکنون به حدود ۲۹۰۰ حسابدار رسمی و حدود ۲۶۰ مؤسسه رسیده‌ایم. می‌توان گفت ما رشد کمی را به حد لازم داشته‌ایم. رشد کیفی نیز داشته‌ایم اما نه به اندازه‌ی رشد کمی. در حال حاضر وضعیت به گونه‌ای است که سازمان حسابرسی با ساختار دولتی بخشی از حرفه را دنبال می‌کند. سازمان حسابرسی هیأت عالی نظارتی دارد متشکل از نمایندگان سه قوه که بر این سازمان نظارت می‌کنند. اما من به‌عنوان کسی که دو دوره در سازمان حسابرسی بوده‌ام این نظارت را حرفه‌ای نمی‌دانم چون افرادی که بر آن‌جا نظارت می‌کنند عمدتاً به مسائل اداری و مدیریتی کلان و مسائل قانونی نظارت دارند و عملاً حسابرس و بازرس قانونی دستگاه هستند. همان‌طور که ما به‌عنوان حسابرس و بازرس قانونی وارد کیفیت دستگاه نمی‌شویم آن‌ها هم چنین وظیفه‌ای را برعهده ندارند. پس می‌توان گفت سازمان حسابرسی در حال حاضر یک حالت خودانتظام دارد. واحد کنترل کیفیت دارد اما در درون خودش این نظارت بسته است و خودش کار نظارتی خودش را انجام می‌دهد. در جامعه‌ی حسابداران رسمی نیز شورای عالی به‌عنوان مهم‌ترین رکن پس از مجمع است و سپس کارگروه‌ها و کمیته‌هایی که کار اصلی تخصصی

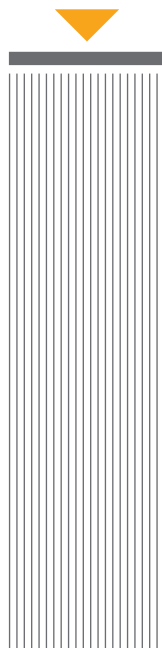
جامعه را برعهده دارند. مشکلی که اکنون وجود دارد این است که چون شورای عالی از بین افراد انتخاب می‌شود، بالاخره می‌تواند این شائبه مطرح شود که نماینده‌ی گروه خاصی هستند. در مورد کمیته‌های فعلی جامعه، به‌خصوص کمیته‌ی کنترل کیفیت، این شائبه می‌تواند وجود داشته باشد. چون ما از پیش‌کسوتان حرفه یاد گرفته‌ایم که حسابرس هم مثل قاضی باید مستقل باشد و هم مستقل به نظر برسد. این شائبه وجود دارد که اگر شورای عالی بخواهد جهت‌دهی داشته باشد کمیته‌ی کنترل کیفیت نیز می‌تواند همان جهت را دنبال کند. همین وضعیت را درباره‌ی هیأت‌های بدوی و سیستم انتظامی جامعه داریم. در حال حاضر این گله و شکایت مطرح است؛ یعنی این شائبه که کمیته‌ی کنترل کیفیت و سیستم انتظامی استقلال ظاهری ندارند. اما این فقط یکی از مشکلات است.

نکته دوم که بسیار مهم است تنوع نظارتی است که در حال حاضر پیش آمده است. مثلاً در غیاب وضعیتی که بتوانیم اثبات کنیم و به همه بگوییم که نظارت ما قوی و درست و کافی است سازمانی مثل بورس خود را محقق دانسته بایاد ارزیابی کند و حکم انضباطی صادر کند و کنترل کیفیت انجام دهد. این چندگانگی باعث شده ما با چندین نوع برخورد مواجه شویم. برای مثال موردی داشتیم که بورس برای فردی راجع به تخلف انجام شده، سه سال تعلیق در نظر گرفته بود در حالی که جامعه‌ی حسابداران رسمی در همان مورد و همان فرد با یک توبیخ درج در پرونده موضوع را خاتمه داده بود. هر ناظر مستقلی که نگاه کند فکر می‌کند یا آن رأی همراه با خط و خط‌بازی بوده یا این رأی مستقل نبوده است. این هم دومین مشکلی است که وجود دارد. این نوع مسائل که درگیر آن هستیم نشان می‌دهد که ما از بُعد مسائل نظارتی در شرایط مطلوب و مناسبی به‌سر نمی‌بریم و می‌بایست فکر جدیدی کنیم.

برای حل این مشکل‌ها چند طرح و ایده مطرح می‌شود که من به صورت خلاصه عرض می‌کنم. یک ایده که جناب دوانی مبدع آن بودند این است که جامعه‌ی حسابداران رسمی را به‌عنوان شورای عالی دولتی یا شبه‌دولتی در نظر بگیریم یا تحت غلبه‌ی دولت یا دادستانی بگذاریم که این شائبه‌ها از بین برود. این پیشنهاد از یک جهت خوب است اما برخی نهادها و افرادی که برای این حل این قضیه مطرح شده بودند مثل دیوان محاسبات و دادستانی را، ما افراد حرفه‌ای نمی‌دانیم و تصمیم‌گیری‌هایشان هم الزاماً جنبه‌ی حرفه‌ای نخواهد داشت. در نتیجه ممکن است مشکل به وجود بیاید. کار ما با بورس فرق می‌کند. ماجرای بورس بحث بازار سرمایه است ولی ما کار حرفه‌ای جدی و اساسی‌ای را دنبال می‌کنیم. پس یک ایده این بود که بتوانیم تغییراتی در

اساسنامه بدهیم.

پیشنهاد دیگر این بود که نهاد ناظر مستقل را مثل تجربه‌ی کشورهای دیگر در اتحادیه‌ی اروپا و انگلستان و ژاپن مطرح کنیم. این ایده بسیار مورد استقبال قرار گرفت چون در دنیا هم اجرایی شده بود. من به‌عنوان کسی که اعتقاد زیادی به این پیشنهاد دارم آن را دنبال کردم اما در جریان باشید که این قضیه در دو بستر مختلف جلو رفت. یکی در بستر مجلس، تحت عنوان طرحی که الان نهایی شده و دکتر پورابراهیمی مطرح کردند که از مشکل اصلی پریده است. چند روز پیش که این طرح به دست من رسید و آن را مطالعه کردم دیدم اصل ماجرا هنوز در ابهام است. بستر دوم در دولت بود. ما با دکتر دژپسند در زمان دولت قبل ارتباطات نزدیکی داشتیم و جلسات متعددی گذاشتیم و ۲۰-۱۰ نفر از بزرگان حرفه از جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی در آن جلسات حضور پیدا می‌کردند. آن‌جا به نقطه‌ی پایانی نهاد نظارتی رسیدیم، اما پایانی که برای ما تلخ بود. دکتر دژپسند با همه‌ی علاقه‌ای که داشت این موضوع را به نفع حرفه جلو ببرد و نهاد ناظر مستقل ایجاد کند، آخرین حرفی که با مشورت حقوق‌دانان و معاونت حقوقی و با توجه به تجربه‌ی خود دکتر دژپسند در سازمان برنامه مطرح شد این بود که نهاد ناظر در سیستم ما به جز مؤسسه‌ی دولتی نمی‌تواند چیز دیگری باشد. عزیزانی که به قانون محاسبات اشراف دارند می‌دانند که در قانون محاسبات ما یک وزارتخانه تعریف شده و یک مؤسسه‌ی دولتی در وسط قضیه قرار دارد و بعد از آن شرکت‌های دولتی. شرکت‌های دولتی وضع‌شان از همه بهتر است. الان سازمان حسابرسی شرکتی دولتی است با هزار مشکل بوروکراسی دولتی. مؤسسه‌ی دولتی به‌مراتب وضعیتش نامناسب‌تر از این است. مؤسسه‌ی دولتی مشکل جامعه و حرفه را حل نمی‌کند و ما در این نقطه ایستادیم و آن لایحه به همین دلیل متوقف شد. یعنی پیشنهاد ایشان را نپذیرفتیم که مؤسسه‌ای دولتی ایجاد کنیم و نهاد نظارتی را ذیل آن قرار دهیم چون در آن صورت به مشکل برمی‌خوریم. به همین دلیل نیز پیشنهادی که ما اخیراً خدمت دکتر خاندوزی فرستادیم با واکنش‌های متفاوتی روبرو شد که بیش‌تر شکلی بود و نه محتوایی. بحث ما این بود که نتیجه‌ی کار از برآورد دکتر پورابراهیمی بسیار طولانی‌تر می‌شود. بنابراین به‌عنوان راه‌حل موقتی و میانه پیشنهاد دادیم تا زمانی که کار نهایی بخواهد انجام شود، برای بحث اولیه در زمینه‌ی عدم استقلال کنترل کیفی و هیأت‌های بدوی، هیأت عالی نظارت جامعه را تقویت کنیم و بخش کنترل کیفیت و انتظامی کار را، حداقل موقتاً و در دوره‌ی انتقالی، زیر نظر هیأت عالی نظارت قرار دهیم که شائبه‌ی عدم استقلال و بحث استقلال ظاهری برطرف شود تا



بعد به آن نقطه‌ی نهاد نظارتی برسیم. قصدمان این نیست که از نهاد نظارتی دست بکشیم، به شرطی که آن نهاد نظارتی در جایگاه مناسب خودش قرار بگیرد و توانایی این را داشته باشد که بتواند به صورت فعال کار کند. دو حالت دارد؛ یا نهاد نظارتی می‌تواند با آن شکل ایده‌آلی که در ذهن ما هست ایجاد شود که چه بهتر. اگر نشد حداقل ما بتوانیم این اصلاح موقت و کوتاه‌مدت را داشته باشیم.

◀ سعید جمشیدی‌فر

خدمت آقای غلامحسین دوانی هستیم. آقای دوانی چهره‌ی شناخته شده و با سوابق قابل توجهی در حرفه و مؤسسه‌داری و در عین حال پژوهشگر و فعال رسانه‌ای هستند و همواره دغدغه‌های اجتماعی و حرفه‌ای‌شان را شاهد بوده‌ایم. ایشان بسیار پرکار هستند و در خصوص مقررات نیز هم فعال هستند و هم مطلب می‌نویسند و هم نظراتی دارند. با توجه به طرح‌هایی که وجود دارد و بحث‌هایی که به کرات در فضای مجازی مطرح شده و گفت‌وگوهای صورت گرفته، همان طور که عرض کردم ابهام در بخش مالکیت و مدیریت باعث شده حسابرسان را طرف اتهام قرار دهند. البته آقای نادریان تمرکز را بیش‌تر در خود کسب‌وکار تحلیل کردند. می‌خواستم نظر شما را در ارتباط با روند مقررات‌گذاری بپرسم. سناریوی بهینه‌ای که شما فکر می‌کنید چیست؟

◀ غلامحسین دوانی

مشکلی که ما داریم این است که همه‌مان اخبار دنیا را تا نیم ساعت پیش شنیده‌ایم و دل‌مان می‌خواهد مثل آن‌ها باشیم. اما توجه نمی‌کنیم که اصلاً نمی‌توانیم مثل آن‌ها باشیم. برای این که مثل آن‌ها باشیم باید شرایطمان هم مثل آن‌ها باشد. من قبل از این که به این جلسه بیایم آخرین اخبار را نگاه کردم. ما به این جمع‌بندی رسیدیم که اگر اساسنامه‌ی جامعه را اصلاح کنیم بهتر است چون تجربه‌ی ۴۰ سال اخیر نشان داده که هرگاه مجلس به سمت تأسیس یک نهاد جدید رفته شکست خورده‌ایم یا آن چه درست شده عجیب و غریب بوده. به همین علت نیز همیشه کوشش کردیم که اگر قانون اصلاح شود بهتر است تا چیز جدیدی درست شود؛ یعنی همین بحث آقای نادریان. ما هم آن‌جا معتقد بودیم دولت خودش هیأت نظارت گذاشته برود هیأت نظارت حرفه‌ای بگذارد و بهترین آدم‌ها را بیاورد. من هم می‌دانم که در آمریکا PCAOB چگونه است. آن‌جا هیچ آدم غیرحرفه‌ای وجود ندارد. همه‌شان حرفه‌ای هستند. ولی در همین شورای ما فقط دو نفر قرار است حرفه‌ای باشند. قرار است اکثریت غیرحرفه‌ای باشند. به نظرم می‌آید اگر بخواهیم کار را پیش ببریم راهکاری به جز این که بگوییم اساسنامه

را اصلاح کنیم نداریم. اما بعضی جاها زور مطرح است و ما هم می‌گوییم برویم نهاد ناظر را اصلاح کنیم. من همین امروز پیش‌نویس آخرین اصلاحات را دیدم. دوباره همه‌ی آن چیزهایی که ما گفته‌ایم به هم ریخته است. بعد با یک نفر تماس گرفتم و گفتم چرا این‌گونه شده است. گفت قرار است دوباره درباره‌ی آن کار کنیم. اینطور نمی‌شود که ما هر روز یک پیش‌نویس بگیریم و بعد دوباره یک نفر برود چیزی به آن اضافه کند. نگرانی ما این است که اگر به این شکلی که آقای پورابراهیمی گفتند اصلاح شود چه کسی تضمین می‌کند که عملکرد بدتر از وضعیت فعلی جامعه نشود؟ ما که پذیرفته‌ایم جامعه اشکال دارد. ولی اگر برویم به سمت چارچوبی که آقایان تعریف می‌کنند تضمینش چیست که بهتر از جامعه‌ی فعلی باشد و بدتر نشود؟ الان همه‌ی دولت‌ها بعد از کرونا به این جمع‌بندی رسیدند که دخالت‌شان را بیش‌تر کنند. من گزارش فولاد مبارکه را نگاه کردم. از یک طرف می‌گویم خب این که برای من مثل روز روشن بود که فولاد ۴۰ سال است به همین ترتیب اداره می‌شود. حالا یک بار فساد مشخص شده. ذوب‌آهن هم همین طور است. بقیه‌ی شرکت‌ها هم همین طور هستند. حالا اول از همه می‌روند آقای حسابرس. من جواب آن دوستی که نوشته حسابرسان کجا بودند را می‌دهم. حسابرسان همان جایی بودند که بقیه هستند.

من در همین نهاد ناظر هم پذیرفتم و نظراتی هم دادم ولی چندان امیدوار نیستم که در آن چیز بهتری از جامعه در بیاید. شرایط اقتصادی کشور حسنی و حسینی است. یعنی اگر امروز آقای حسنی شد رییس کمیسیون اقتصادی مجلس و زورش بیش‌تر بود نظر خودش را پیش می‌برد و اگر نبود و حسینی بود یک نوع دیگر پیش می‌برد. خود آقای خاندوزی وقتی در کمیسیون مجلس بود همین اصلاحیه را با ما به شکل دیگری توافق کرده بود. متنش را من نوشته بودم. نوشتیم هرگاه یکی از مؤسسات حسابرسی خصوصی عهده‌دار حسابرسی بخش دولتی گردد موظف است یک نسخه از گزارش را رأساً به دیوان محاسبات بفرستد. همین چند خط بود. بعد ناگهان در آن ۱۵ خط دیگر هم آمد. من به این چارچوب معتقدم که جامعه باید تا جایی که می‌تواند فعال شرکت کند ولی خودم چشم‌انداز مثبتی برای آن نمی‌بینم.

◀ سعید جمشیدی‌فر

بحث دیگری که این روزها مطرح است این است که جامعه یک نهاد حرفه‌ای است یا یک نهاد نظارتی؟ خب دیدگاه‌های مختلفی هست که دیده‌اید و خوانده‌اید. از آقای حمیدرضا کیهانی که در جرگه‌ی پیش‌کسوتان حرفه قرار دارند و مؤسسه‌دار هستند، با توجه به این که همه‌ی این موارد را



کم‌کم توپ را از زمین خانه‌ی ملت در آورد و به سمت خانه‌ی دولت آورد. در سال ۱۳۶۲ قانون تأسیس سازمان حسابرسی به تصویب رسید. در سال ۱۳۶۶ اساسنامه‌اش به تصویب رسید و مجدداً حسابرسی دولت جایگزین حسابرسی نمایندگان ملت شد. به خاطر مشکلاتی که در خصوص مسائل بین‌المللی داشتیم در سال ۱۳۷۲ ماده واحده‌ی استفاده از خدمات تخصصی حسابرسان به تصویب رسید که نهایتاً در دوم شهریور سال ۱۳۸۰ مجمع عمومی تشکیل شد و اولین نمایندگان و شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی وارد کار شدند و عملاً کار ما آغاز شد. این مختصری بود از وضعیت حسابرسی در ایران و نهادهای ناظر.

همان‌طور که جناب نادریان هم گفتند ما دو نهاد ناظر در ایران داریم. هیأت عالی نظارت سازمان حسابرسی و هیأت عالی نظارت جامعه‌ی حسابداران رسمی. سازمان ۵ عضو دارد و جامعه ۳ عضو. این دو نهاد با شرایط موجود به کار ادامه می‌دهند. همین مطلب را درباره‌ی نهادهای بین‌المللی ناظر بر مؤسسات حسابرسی در بسیاری از کشورها داریم. آقای دوانی گفتند ما باید به صورت بومی کار کنیم. ولی من اعتقاد شخصی دارم که همیشه باید از راه رفتن دیگران هم استفاده کرد. الان شما در نظر بگیرید که نهادهای ناظر دنیا توسط مجمع بین‌المللی ناظران بر حسابرسان مستقل کنترل می‌شود. این مجمع در سال ۲۰۰۶ با ۱۸ عضو در فرانسه تشکیل شد. تا ۳ سال پیش ۵۵ عضو این مجمع بین‌المللی ناظران از نهادهای ناظر در درونش بود. از سال ۲۰۱۳ نیز این

رصد کرده‌اند و مطالب‌شان در فضای مجازی بسیار پربیننده است و در عین حال کارهای تطبیقی با برخی کشورهای نمونه انجام داده‌اند خواهش می‌کنم نظر خود را در این باره بفرمایند.

◀ حمیدرضا کیهانی

اجازه می‌خواهم قبل از این که وارد این بحث تطبیقی شوم و ادامه‌ی مطالب بسیار خوبی که جناب نادریان و دوانی در خصوص چالش‌های موجود بیان کردند را ادامه دهم شمایی کلی از حسابرسی و نهادهای ناظر در ایران عرض کنم. مستحضر هستید که دیوان محاسبات ما در سال ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ به موجب قانون اساسی مشروطه موجودیت پیدا کرد و بعداً جلسه‌ی مجلس شورای ملی آن زمان در سال ۱۲۸۹ اساسنامه‌ی دیوان را با ۱۴۱ ماده به تصویب رساند و دیوان کارش را شروع کرد. در این زمینه، فقط باید این موضوع را توضیح دهم که دیوان محاسبات کارش مثل سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی بررسی استانداردها و اظهارنظر حرفه‌ای نبود بلکه فقط بیش‌تر روی نکات بودجه و ردیف بودجه‌ها و اختلاف آن با خرج‌کردها و درست خرج کردن آن ماده‌ها متمرکز بود. ولی در هر صورت دیوان محاسبات زمینه‌ای را ایجاد کرده بود که وضعیت شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی توسط خانه‌ی ملت بررسی شود. این قضیه ادامه پیدا کرد تا در سال ۱۳۵۱ شرکت سهامی حسابرسی تأسیس شد. این شرکت سهامی



مجمع دارد مجمع سالانه‌اش را برگزار می‌کند. شرط عضویت نهادهای ناظر در این مجمع دو تا است: یکی این که ناظر مستقل باشد و در حرفه‌ی حسابرسی نباشد و دیگری این که وظیفه‌شان صرفاً بازرسی از مؤسسات حسابرسی باشد. از این نوع نهادها در دنیا زیاد داریم: مثلاً PCAOB در آمریکا و Aoba در اتریش و FRC در انگلستان.

مشکلی که الان در جامعه‌ی حرفه‌ای ما بیداد می‌کند این است که اصلاً نهاد حرفه‌ای چیست؟ به موجب تبصره ۲ ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی که همه می‌دانیم شالوده‌ی اساسی کار ماست، جامعه‌ی حسابداران رسمی به صورت مؤسسه‌ای غیردولتی و غیرانتفاعی و دارای استقلال مالی و شخصیت حقوقی مستقل تعریف می‌شود. پس ما از روز اول قرار بود یک نهاد حرفه‌ای باشیم. یعنی قانون‌گذار زمانی که این ماده واحده را تصویب کرد گفت شما نهاد حرفه‌ای هستید. ولی متأسفانه مشکل ما از زمانی آغاز شد که یک اساسنامه‌ی نامربوط به ما دیکته شد. این اساسنامه با بندهای مختلف مثل ماده ۲۰، نظارتش آن‌چنان در جامعه زیاد شده که ما دیگر مستقل نیستیم. ما به‌عنوان یک نهاد حرفه‌ای مثل انجمن حسابداران آمریکا که در سال ۱۸۸۷ یعنی ۱۳۵ سال پیش تأسیس شده هستیم. ولی ما استقلال حرفه‌ای نداریم. همه بر روی ما نظارت دارند. از سوی دیگر نهاد ناظری که ما را به‌نوعی طبق اساسنامه کنترل می‌کند

از ما حمایت نمی‌کند. همیشه و در هر مشکلی این بحث مطرح می‌شود که حسابرسان کجا بودند. الان مسئله‌ی فساد در شرکت فولاد مبارکه اتفاق افتاده است. منتظر باشید که مسئله‌ی اتهام قطعی شود و تفهیم اتهام انجام شود باز هم می‌گویند پس حسابرسان کجا بودند! فرقی نمی‌کند که ما در حسابرسی سازمان باشیم یا حسابرس بخش خصوصی؛ در هر صورت می‌گویند حسابرسان کجا بودند. یعنی در واقع داد و بیداد بر سر ما است. پس نتیجه می‌گیریم ما ساختار خوبی نداریم. من یقین دارم همه‌ی اعضای جامعه حرفه‌ای به این موضوع اعتقاد دارند که ساختار ما درست نیست. قرار بود نهادی حرفه‌ای باشیم ولی شدیم نهادی شتر-گاو-پلنگ. من نگرانی‌ام فقط مواردی از این قبیل است. الان ما عضو آیفک هستیم ولی از کجا معلوم است با فرمایشاتی که آقای دکتر پورابراهیمی گفتند و قرار است در مجلس تصویب شود ما را از آیفک بیرون نیاورند؟ چون آیفک زمانی ما را به‌عنوان یک عضو قبول دارد که نهادی حرفه‌ای باشیم. نهاد ناظر اگر شرایط خاصی را داشته باشد می‌تواند خودش را به عضویت نهاد ناظر مالی مجمع بین‌المللی ناظران در بیاورد. ولی در شرایط فعلی ما این مشکل را داریم. پس کاری که پیش رو داریم و باید همه‌ی اعضای حرفه به آن توجه داشته باشند این است که ما یک نهاد ناظر حرفه‌ای داشته باشیم. در این بحثی نیست، همان‌طور که در همه‌ی دنیا وجود دارد. ولی

باید جایگاه نهاد حرفه‌ای ما هم مشخص شود. نهاد حرفه‌ای چه نهادی است؟ نهادی است که عضوگیری می‌کند، کارت صادر می‌کند، برنامه‌ریزی آموزش برای اعضا دارد، برگزاری سمینار دارد، انتشار مجلات و بولتن‌های خبری دارد، وضع استانداردهای حسابرسی برای شرکت‌های خصوصی دارد (البته نه برای همه بلکه فقط برای شرکت‌های خصوصی)، کارگروه‌های مختلف دارد، خدمات حرفه‌ای را مطابق قوانین و ضوابط انجام می‌دهد و ... نهاد ناظر چیست؟ کار نهاد ناظر بازرسی و تدوین استانداردها و ایجاد کارگروه‌های تخصصی و کنترل کیفی برای ادامه‌ی این کار است. به نهاد ناظر در اتریش اشاره کردم. این کشور غیر از این نهاد حرفه‌ای یک نهاد دیگر دارد به نام نهاد حرفه‌ای مشاوره‌ی مالیاتی. دولت اگر نگران مشکلات مالیاتی کشور است می‌تواند در کنار ما، یک نهاد مشاوره‌ی مالیاتی هم ایجاد کند تا نگران مسائل مالیاتی ما نباشد. ما کار حرفه‌ای استاندارد خودمان را انجام دهیم و در کنارش نهادی دیگر کار مشاوره‌ی مالیاتی را انجام دهد.

◀ جمشیدی فرد:

آقای دکتر جباری مدیر کل گزارشگری مالی بخش عمومی در خزانه‌داری کل کشور و یکی از اعضای است که ارتباط نزدیک با بخش دولت در حوزه‌ی تخصصی دارند. همان‌طور که اشاره شد و آقای نادریان هم اشاره کردند تا قبل از این‌که دولت سیزدهم تشکیل شود لایحه‌ای در وزارت دارایی در جریان بود. این لایحه ابتدا یک متن مفصل بود که جلسات متعددی درباره‌ی آن برگزار شده بود و چند نفر از حرفه درباره‌ی آن گفت‌وگوهای فراوان و بحث‌های چالشی کرده بودند. به هر حال دولت مصمم بود این لایحه را پیش ببرد ولی به علت حضور اشخاص غیرحرفه‌ای در آخرین مراحل تبدیل به برگه‌ای یک صفحه‌ای و تصمیم گرفته شد جمع‌بندی آن را به صورت کلیات تصویب کنند و بعداً جزئیات آن را پیش ببرند. خوشبختانه آن لایحه مسکوت ماند و گرنه شرایط امروز از وضعیت کنونی سخت‌تر می‌شد. بخشی از این تصمیم‌گیری در شورای قبل آغاز شده بود و بخشی از آن را هم شورای هفتم ادامه داد. در این لایحه یک بخش از مسئولیت بر عهده‌ی معاونت خزانه‌داری بود و در عین حال معاونت دیگری در وزارت اقتصاد، آقای دهقان دهنوی، که بعداً برای مدتی رییس سازمان بورس بود، مسئولیت آن را بر عهده داشت. از آقای دکتر جباری خواهش‌مندم که با توجه به سابقه‌ی آن لایحه و وضع موجود و پیشنهادهایی که الان مطرح شد از جمله پیشنهاد آقای نادریان، نگاه وزرات اقتصاد و دارایی و دولت را در این باره تشریح کنند.

◀ مهرداد جباری:

ابتدا مقدمه‌ای ذکر می‌کنم. وقتی درباره‌ی حسابرسی و حسابداری به حرفه اشاره می‌کنیم باید توجه کنیم که با اتحادیه‌هایی که در بیرون وجود دارد متفاوت است. اصولاً سازوکار و هدف حرفه با بقیه‌ی مشاغل فرق می‌کند و انتظار از آن نیز متفاوت است. در کنار دیگر هدف‌ها، مهم‌ترین هدف حرفه منافع عموم جامعه و خدمت به مردم است. این نکته را باید در نظر بگیریم. برای این موضوع نیز الزاماتی تعریف شده است. یکی از این الزامات که هر حرفه‌ای باید داشته باشد بحث انتظام‌بخشی به خدماتی است که حرفه دارد ارائه می‌کند. در دنیا دو رویکرد کلی وجود دارد. یکی این‌که خود حرفه نظام خودکنترلی داشته باشد. رویکرد دوم این است که نهاد بالادستی دولت یا قانون‌گذار نظارت را بپذیرد. در کشورهای مختلف دنیا هر دو رویکرد با توجه به ساختارهای سیاسی و اقتصادی و اداری آن کشور اجرا می‌شود. در مطالعات تطبیقی هم همین موضوع مطرح می‌شود. ممکن است یک ساختار خاص برای یک کشور مفید باشد. توصیه‌هایی که صندوق بین‌المللی پول IMF نیز به بخش دولت می‌دهد همین است. می‌گویم ما توصیه‌های کلان را می‌گوییم، اگر شرایط ایجاب کرد طبق آن پیش بروید و گرنه راه مناسب را خودتان انتخاب کنید. در ساختارهای حرفه‌ای نیز همین‌طور است. کشورهای مختلف با توجه به ساختارهای سیاسی و اقتصادی که دارند روش‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند. در ایران الان تلفیقی از این دو رویکرد را داریم. یعنی در برخی موارد دولت در قانونگذاری و مقررات‌گذاری ورود پیدا می‌کند و بخشی از کار هم به حرفه واگذار شده است. راجع به لایحه به نظرم یکی از دلایلی که متوقف شد هم‌زمانی‌اش با طرحی بود که در مجلس جریان پیدا کرد و منتشر شد و لایحه مسکوت ماند. دیدگاه وزارت اقتصاد و دارایی و دیدگاه جناب دکتر خاندوزی در این باره مشخص است. در جلسه‌ای که چند روز پیش اعضای شورای عالی جامعه خدمت دکتر خاندوزی بودند ایشان به‌صراحت دیدگاه خودشان را نسبت به جامعه ابراز و برای همکاری اعلام آمادگی کردند. چون این‌جا فقط بحث صنفی و کسب‌وکار مطرح نیست بلکه موضوع خدمت‌رسانی به عموم جامعه است. لذا وزارت اقتصاد و دارایی با تمام وجود اعلام آمادگی می‌کند که هر جا لازم باشد جلسات کارشناسی بگذاریم. ما خودمان را در کنار جامعه می‌بینیم. شخص دکتر اکرمی در جلسات شورای عالی همواره این دیدگاه را داشته‌اند. شخص آقای وزیر نیز در جلسه‌ی چند روز پیش اعلام کردند که هم در بحث عضوگیری جامعه و هم در بحث حمایت از جامعه در همه ابعاد تا جایی که مقدور باشد وزارت اقتصاد حمایت خواهد کرد. درباره‌ی نکته‌ای که جناب نادریان فرمودند و پیشنهادی را که ایشان زحمت کشیدند

ارائه کردند در وزارت اقتصاد در دست بررسی داریم و از اعضای شورای عالی و هیأت مدیره جامعه و هیأت عالی نظارت جامعه و دست‌اندرکاران موضوع دعوت شده که ابعاد آن بررسی شود و اگر به صلاح حرفه و منافع عمومی بود آن پیشنهاد عملیاتی شود. به هر حال من فکر می‌کنم وزارت اقتصاد و دارایی همواره از پیشنهاد حمایت می‌کند. ما باید یکدیگر را در کنار هم ببینیم. ما نقطه‌ی مقابل هم نیستیم. مطالبی که جناب دکتر پورا براهیمی گفتند به نظرم مطالب خوبی بود و روند خوبی در این باره طی شده است. حال این که در متن چه موضوعاتی آمده نیاز به کار کارشناسی دارد. باید در جلسات کارشناسی همه‌ی ما حاضر شویم چون حضور ما باعث می‌شود دیدگاه‌های تخصصی در آن متن لحاظ شود و متن به آن نقطه‌ی مطلوبی که می‌خواهیم برسد. اما در حیطه‌ی مقررات‌گذاری یک رمز نیز داریم؛ این که اصولاً دولت باید تا چه حدی در مقررات‌گذاری ورود پیدا کند و از چه جهاتی باید برای حرفه تصمیم بگیرد و ... این مسائل در آن جلسات کارشناسی مستمر که از قبل هم داشتیم مشخص می‌شود و این جلسات باید ادامه پیدا کند.

◀ جمشیدی‌فرد:

صحبت از دکتر اکرمی شد. ایشان همواره حامی حرفه بوده‌اند و اگر ایشان نبود شاید در برخی موارد جایگاه ما تنزل پیدا می‌کرد. به هر حال از ایشان تشکر می‌کنم. برمی‌گردم به آقای نادریان. من افتخار حضور در شورای عالی جامعه را از شورای چهارم داشته‌ام. در جمع امروز از آن دوره آقای جهانبانی و هشی و خستویی و حضرت‌عالی حضور دارند. الان هفت دوره از شورا می‌گذرد. نکاتی که شما اشاره کردید نقدهای مطرح است. درباره‌ی این که وزن آن الان تا چه حد است من تردید دارم. به هر حال در تمام این ۷ دوره اعضای شورا زحمات زیادی کشیدند به طوری که الان ادعا می‌کنیم شرایط کار حدود ۲۵۰ مؤسسه و ۱۲ هزار نفر شاغل را فراهم کرده‌ایم و بستر قانونی آن نیز ماده واحده و بقیه‌ی مقررات بوده است. طرح این موضوع که رکن شورا ضعیف است و حالا باید برویم بعضی از بخش‌ها مثل کنترل کیفیت و حوزه‌های اختیار شورا را به مرجع دیگری واگذار کنیم، مثلاً کنترل کیفیت را به هیأت عالی نظارت بدهیم و اختیار انتخاب هیأت‌های بدوی و نماینده‌ی شورا در هیأت عالی را در اختیار هیأت عالی ناظر بگذاریم درست نیست. من هم به این قائلم که به هر حال نیاز به اصلاح ساختار درونی داریم و هر جا لازم است باید مقررات را اصلاح کنیم. ولی طرح این موضوع که شورا ضعیف عمل کرده و بنابراین پیشنهادهایی بدهیم که متمرکز بر کاهش اختیارات شورا باشد جای سؤال دارد. خود شما در شورا حضور داشتید. در شورای چهارم درباره‌ی

اساسنامه‌ای که ما به آن معترض بودیم، شما هم هر ماه در بخش خصوصی، چه شاغلان و چه غیرشاغلان، به این موضوع معترض بودید. احساس می‌کنم بحث شورا و رکن نسبت به تصویر بزرگ چندان پررنگ نیست. این ایراد وارد است ولی به نظرم ایرادهای اساسی‌تری مطرح است. نظر شما چیست؟

◀ علی ثقفی:

هر نوع قوانین و مقرراتی محدودیت ایجاد می‌کند. ما الان تقریباً ۲۰ سال است که این بحث را آزمایش کرده‌ایم. مرتب به قوانین اضافه کرده‌ایم. یعنی محدودیت‌ها را بیش‌تر و بیش‌تر کرده‌ایم. قانون جدید یا بازنگری در قوانین قبلی منجر به محدودیت بیش‌تر می‌شود. از اعضای محترم میزگرد حاضر خواهش می‌کنم کمی درباره‌ی رفع مقررات و کم کردن آن صحبت کنند. قوانین باید خلاصه یا ساده باشد. چون هر چه پیچیده‌تر باشد محدودیت‌ها دست‌وپال ما را می‌بندد و آن پاسخ‌گویی که بر آن تأکید می‌شود کلاً از بین می‌رود.

◀ هوشنگ نادریان:

من چون چهار دوره، یک دوره بیش‌تر از سقف مقرر، عضو شورای عالی بودم طبیعتاً اگر بخواهم شورای عالی را متهم کنم، خودم جزو متهمین این قضیه هستم. منظورم این نبود. من مبانی را عرض می‌کنم. حسابرس باید مستقل باشد و مستقل هم به نظر بیاید. نباید حزب و حزب‌بازی در ترکیب شورای عالی داشته باشیم. ولی در جریان باشید که بالاخره در انتخابات عادی هم گروهی مخالف و گروهی موافق و گروهی حاکم و گروهی محکوم هستند و در عمل همیشه این‌ها اتفاق می‌افتد. انتخابات همیشه همین است. گروه محکوم همیشه می‌تواند ادعا کند که گروه حاکم آمده و ممکن است برخوردی با او انجام شود. کما این که الان از این گله و شکایت‌ها زیاد می‌شنویم که برای ما پرونده درست کرده‌اند، رأی سنگین به ما دادند و ... راستی آزمایی نکرده‌ایم که بگوییم این ادعاها درست است یا نه. ولی من این را به‌عنوان ضعف شورا نمی‌گویم بلکه به‌عنوان مبنا عرض کردم. مبنا این است که وقتی بخواهیم این شائبه‌ها را رفع کنیم می‌بایست استقلال را آن‌قدر تأمین کنیم که نتوانید زیر سؤال برود. وگرنه من خودم هم عضو شورا بودم.

فرمایش دکتر ثقفی کاملاً صحیح است. ما بیماری تدوین قوانین داریم. هم در مجلس و هم معمولاً در نهادهای مقررات‌گذار مثل دولت این مشکل را داریم. باید یاد بگیریم که سعی کنیم قوانین را درست کنیم. یادمان است زمانی رییس سازمان تأمین اجتماعی جناب مهدی کرباسیان بودند. مشورتی با ما داشتند و از ما خواستند که ببینیم می‌شود قوانین تأمین اجتماعی را بررسی و تنقیح کنیم. آن‌جا رؤسای



گويا مسئولان فقط بايد بدونند كه آثار اين‌ها را خنثي كنند.

« سعيد جمشيدى فرد

من حرفه را تقسيم‌بندي مي‌كنم. زماني حرفه را در سطح فني مي‌بينيم. به هر حال كار حسابرسي مي‌كنيم. كار فني حسابرسي را بسياري از همكاران در سطوح بسيار عالي انجام مي‌دهند. يك سطح هم مديريت و كسب‌وكار حرفه‌اي و مؤسسه‌داري است. يك سطح هم سطح سياست‌گذاري است. بعضي اوقات موضوعاتي كه در سطح فني و حتي در سطح مديريت هست تأثير مي‌گذارد بر سطح سياست‌گذاري. به هر حال آقاي پوراابراهيمي در سطح سياست‌گذاري از بيرون دارند مي‌بينند و داخل خود حرفه حضور نداشته‌اند. اما به‌عنوان يك تحصيل‌كرده‌ي آكادميك در حوزه‌ي مالي سطح درك بالايي دارند. مي‌خواهم بگويم كه برخي مثال‌ها و مواردی كه گفته می‌شود و درست هم است در سطح سياست‌گذاري نقص دارد. يعني همان‌طور كه درباره‌ي استقلال گفتم اگر استقلال را در سطح پرونده‌ي حسابرسي ببينيم كاملاً درست است ولي استقلال بايد بيايد در بحث مالكيت هم خودش را نشان دهد كه حسابرسي بداند اين شركتي كه مالكش بخش عمومي است ولي بنابر مبنای بخش خصوصي تيك بزند خب اين انحرافات نهايتا می‌رود در هيأت انتظامي خودش را نشان می‌دهد. اين جاست كه شايد تجديد‌نظر در

واحد حقوقي آمدند و گفتند فقط چند سال طول می‌كشد تا ما بتوانيم ناسخ و منسوخ را از هم جدا كنيم و مقررات فعلي را جمع و جور و تبديل به كتابچه كنيم. يعني سازمان تأمين اجتماعي اين كتابچه را ندارد. در زمينه‌ي جامعه‌ي حسابداران رسمي هم قانون كه شروع شد يك شكل مشخص بود ولي مدام تبصره خورد و اين كار را پيچيده‌تر كرد. من موافق دكتر ثقفی هستم و فكر می‌كنم بايد در اين مورد فكر كنيم. طرحي كه دكتر پوراابراهيمي می‌گویند به شرط اين‌كه تحقق پيدا كند مفيد است؛ اگر يك بار به صورت جامع همه‌ي ابعاد را با تجاربي كه در اين ۲۱ سال از تجربه جامعه و سازمان حسابرسي داريم بازنگري كنيم و يك قانون ساده، كارا، مناسب و جامع طراحي كنيم. اگر اين اتفاق بيفتد می‌تواند كمك كند اما مشكلي كه آقاي ثقفی گفتند در کشور وجود دارد. من الان دو تا مجموعه همراه آورده‌ام كه در يك دفترچه، طرحي را درباره‌ي ايجاد سازمان نظام بازرسي بيش از ۴۴ نماينده امضا كرده‌اند. حالا ما چقدر دويدهايم دنبال قضيه كه کوتاه بيايند. يك طرح جناب دكتر سعيد جليلی داده‌اند در رابطه با اصلاح نظام جامع حسابرسي، يك طرح الان در مجلس است در رابطه با تفكيك كار سازمان حسابرسي و جامعه‌ي حسابداران رسمي، يك طرح همين طرح است كه ایشان اشاره كردند، يك لايحه هم در دولت هست كه فعلاً مسكوت است و... اين‌ها بالاخره وجود دارد و



گفت نظارت. گفتیم خدا پدر شما را بیامرزد. این هیأت نظارت مبارک خودت. بیرون از سازمان برو داخل خود وزارتخانه. تشخیص از ما و بقیه چیزها بر عهده‌ی شما. اساسنامه‌ی بسیار خوبی نوشتیم. عضو افتخاری تعریف کردیم. دانشجو گذاشتیم. گفتیم به چه علت استاد دانشگاهی که می‌خواهد درس بدهد بیاد این‌جا خودش را عضو شاغل معرفی کند، او باید عضو افتخاری بشود، مثل آمریکا. تقسیمش کردیم ولی به عاقبت نرسید. به این دلیل که در سازوکار ایران نمی‌گذراند کار پیش برود. این که الان شما می‌گویید فلان شیورا یکدست است از نظر جامعه‌شناسی غلط است چون مثلاً سه نفر ایرانی نمی‌توانند با هم جمع بشوند. چگونه ۱۱ نفر می‌توانند جمع می‌شوند؟ پس شورای فعلی هم یکدست نیست. من معتقدم از تجارب جهانی حتماً باید استفاده کنیم. اما یادمان نرود بپرسیم در چه شرایطی آن‌جا کار انجام شده است. اشکال ما در این بخش است. ما در زبان جنوبی مثلی داریم که می‌گوییم یک نابینایی بوده که همیشه گله می‌کرده به خدا که چرا مرا کور خلق کردی؟ خلاصه یک روز خداوند به جبرئیل می‌گوید چشم این بنده را روشن کن که دنیا را ببیند. چشمش باز می‌شود و یک خروس را می‌بیند و بلافاصله بعدش دوباره کور می‌شود. از آن زمان به بعد دیگر هر چیزی به او می‌گفتند جواب می‌داده مثل آن خروس است. ما هم در یک نظام دولتی بزرگ شده‌ایم. هر چیزی بگویند بنویسیم

سطح سیاست‌گذاری هم در برخی موارد لازم است نه به خاطر قانونگذار و مقررات‌گذار بلکه به این دلیل که حمایت از ما بسیار ضعیف است. ما فقط یک ماده واحد داریم و حامی جدی نداریم. شاید مقررات‌گذاری مناسب، منطقی و با ادبیاتی حرفه‌ای، طبق فرمایشات جناب نادریان، لازم است. آقای دوانی شما معمولاً پرمحتوا و طولانی صحبت می‌کنید. تعجب کردم که امروز کوتاه صحبت فرمودید.

◀ دوانی:

به خاطر کمبود وقت کوتاه صحبت کردم. آقای کیهانی گفتند من تجارب جهانی را تأیید نکرده‌ام. من اتفاقاً جز کسانی هستم که می‌گویم حسابرسی وارداتی است. من بارها این را گفته‌ام که ما به جز فقه و مکاسب هیچ چیزی نداریم. بنابراین اگر بخواهیم از حسابرسی استفاده کنیم باید سراغ خارجی‌ها برویم و ببینیم چه کرده‌اند. من تأکید کردم که برای مقررات PCAOB را بدانیم باید شرایط آن‌ها را برویم مطالعه کنیم و بگوییم آن‌ها در چه شرایطی آن را اجرا کرده‌اند. نیاییم آن را بیاوریم این‌جا و بگوییم حالا نمی‌شود. الان به طور مشخص این بحث که آقای نادریان هم می‌کنند مطرح است. آقای مظاهری که وزیر شدند در همان دوره‌ی اول مأموریتی به من و آقای امانی دادند که ما یک اساسنامه بنویسیم. رفتیم خدمت ایشان و گفتیم نگرانی شما چیست.

حاصل نوشته‌ای دولتی می‌شود. کما این که نویسندگان اساسنامه‌ی دولتی نوشتند. من اصولاً معتقد نیستم جامعه حرفه‌ای است. در اساسنامه اول از همه، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، نوشته شده «به منظور اعمال نظارت». یعنی دولت می‌خواسته در رأس باشد. ما اصلاً با PCAOB آمریکا قابل مقایسه نیستیم. آن‌ها خودشان انجمن درست کردند ولی ما را برایمان درست کردند. چه قبل از انقلاب که دولت کانون حسابداران را ایجاد کرد و گفت بفرمایید، حالا من می‌گویم شما کدام‌تان بیاید و کدام‌تان نیاید. بعد از انقلاب هم همین طور بود. پس این نهاد اصلاً حرفه‌ای نبوده و نظارتی بوده است. حالا شترگاوپلنگ شده و یک بخش آن نظارتی شده و یک بخش حرفه‌ای. این مشکل را اگر بتوانیم باید حل کنیم. روی همین قانون باید کار کنیم. وگرنه اگر برویم سراغ یک سازوکار جدید از الان می‌دانم عاقبتش چیست. در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد دادستان کل کشور در ارکان هیأت نظارتی باشد. در PCAOB آمریکا نیست، در JCOB ژاپن نیست و ... دادستان چه کاری به این کارها دارد؟ ما وقتی بگوییم دادستان بیاید و وزارت دادگستری بیاید فردا وزارت اطلاعات هم می‌آید و پس فردا یک نهاد دیگر هم می‌آید و تبدیل به ۳۰۰۰ قانون می‌شود. ما باید یک اساسنامه‌ی شفاف به‌عنوان نهادی حرفه‌ای بنویسیم. بعد هم جنبه‌ی نظارتی‌اش را قوی کنیم. من هم معتقدم جنبه‌ی نظارتی آن را می‌شود قوی و ترکیبش را عوض کرد. ولی این که به شکل دست‌بسته برویم بپذیریم درست نیست چون شبیه آن چه قبل از انقلاب در کانون بوده اتفاق می‌افتد. تازه آن موقع به نظر من عقلاً بر سر کار بودند و شاید سالی یکبار جمع می‌شدند ولی الان از پس فردا گویا عروسی شروع می‌شود و هر کسی می‌خواهد بدود بیاید.

◀ حمیدرضا کیهانی

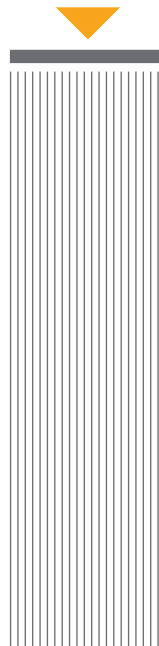
متأسفانه باید بگویم که در شرایط خوبی نیستیم. با صحبت‌هایی که دکتر پورابراهیمی امروز مطرح کردند مشخص شد که در واقع تا چند روز دیگر طرحی که مراحل اولیه‌ی تصویب را گذرانده به ما داده می‌شود و ۱۰ روز هم وقت داریم نقطه‌نظرات خودمان را به آن اعلام کنیم. من فکر می‌کنم در شرایط بسیار بدی داریم قرار می‌گیریم. باید حتماً راهکاری برای این قضیه دید. باید حتماً در شورا و جامعه‌ی حرفه‌ای دست به دست هم بدهیم و جلوی این حرکت را که دارد به مراحل نهایی می‌رسد به صورت اصولی بگیریم. اگر این نهاد ناظر با ۱۱ نماینده‌ی شورا که فقط دو یا سه نفر آن‌ها حسابدار رسمی هستند و بقیه در جاهای مختلفی هستند تشکیل شود واقعاً وضعیت خوبی را در آینده نخواهیم داشت. در هر صورت هر قانونی که نوشته می‌شود

باید جامع باشد. مثل قانون تجارت سال ۱۳۱۱ که هنوز که هنوز است کسی نتوانسته دست به ترکیبش بزند. خیلی‌ها آمدند این قانون را تغییر بدهند ولی نتوانستند. این قانونی که دارد تصویب می‌شود باید شرایطش به گونه‌ای باشد که برای آیندگان ما مفید باشد. سن بسیاری از ما که گذشته ولی قانون باید برای جوان‌ها و کسانی که می‌خواهند ادامه‌ی راه این حرفه را بدهند نوشته شود.

◀ عباس هشی (پرسش خارج از میزگرد):

آقای نادریان را مسبب این حرفه معرفی نکنید. مسبب قانون است. این قانون را نوشتند و ۷ نفر حسابدار رسمی انتخاب کردند. به تشخیص وزیر اسم ما را گذاشتند حسابدار رسمی. برای ما یک قانون آوردند که آن را آقای نوربخش از طریق اساتید و پیش‌کسوتان قبلی نوشته بودند. در سال ۱۳۶۸ آوردند در مجلس و در ۱۳۷۲ تصویب شد. قرار شد آیین‌نامه‌اش را بنویسند. دو سال طول کشید آیین‌نامه‌اش نوشته شد. دو سال خاک خورد. در سال ۱۳۷۴ اعضای هیأت علمی در دانشگاه شهید بهشتی از آقای محمدخان خواهش کردند هیأت ۷ نفره راه افتاد. اساسنامه را که نوشتند ما از روز اول همه‌ی مسائل را فهمیدیم. به من و ۳ نفر دیگر مأموریت دادند که در رکن تحقیقات سازمان حسابرسی اساسنامه بنویسیم. یعنی برای قانون یک اساسنامه نوشته شد. آقای علی‌مدد و ملک‌آزایی و عالی‌ور و ارباب‌سلیمانی و من و آقای مستأجران و آقای پوربهرامی آن را نوشتیم. یک ماه طول کشید. وقتی رفتیم به جلسه کل آن را دور انداختند. یک اساسنامه برای ما در آوردند که از قبل نوشته شده بود. آیین‌نامه را چه کسی نوشته بود؟ آقای پاکروان و بوشهری و فاطمی‌زاده. آن موقع آقای نادریان در آن گروه نبود. این بر اساس اطلاعاتی است که به من داده‌اند. ما خواستیم مخالفت کنیم. آقای محمدخان به من گفت حرف‌هایت را بگو. بعد از این که ما اعتراض کردیم گفتند باید بدین گونه پیش برود. همین را قبول کنید و هر حرفی دارید وقتی جامعه راه افتاد بروید حق‌تان را بگیرید. جامعه که راه افتاد آقای مظاهری به آقایان اعتماد کرد و یک اساسنامه نوشته شد. سازمان حسابرسی هم یک اساسنامه نوشت که قرار بود یک سری کارها را به اینور و آنور بدهند. این‌ها با هم دعوایشان شد. در نتیجه هر دو اساسنامه را کنار گذاشتند. تبصره‌ی ۵ را آقای مظاهری متوقف کرد. پس من عباس هشی متهم هستم که اگر روی اساسنامه اعتراض دارم چرا همان موقع نگفتم. علتش این بود که حرف‌مان به جایی نمی‌رسید. ما می‌خواستیم جامعه راه بیفتد. از ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰، ۶ سال طول کشید جامعه راه بیفتد. خب اساسنامه‌ای که ما داریم با قانون یکی نیست. قانون یک اشکال اساسی دارد. به مردم حق کسب‌وکار

می‌دهد. مؤسسه‌داری ما شده گاراژداری. یعنی می‌آیند دو نفر شریک امضا می‌کنند و خودمان می‌نشینیم عقب و می‌رویم مهمانی و باشگاه و ... در حالی که من باید امضا کنم که شریک جوانم خیالش راحت باشد. من باید روی کسب و کارم حساب کنم. اختیار ما را با اساسنامه داده‌اند دست دولت. هر روز هر وزیری که می‌آید به دلخواه یک کار می‌کند. زمانی همین آقای ثقفی دبیر کل بود. آن موقع تنها هیأت علمی که حسابرسی هم کار می‌کرد من بودم. آقای ثقفی یک نامه نوشت به آقای مظاهری. آقای مظاهری آن موقع می‌خواست دکتری حسابداری بگیرد. ثبت نام کرده بود و هوای ما را داشت. آقای کرباسیان هم می‌آمد و دانشجوی ایشان در مؤسسه مالی بود. پس دوران خوش ما آن دو سال بود. هر سه جلسه یک بار آقای مظاهری و کرباسیان بودند. ایشان نامه را نوشت و آقای مظاهری برد دولت و هیأت علمی‌ها شدند این که الان می‌بینید. گفت مدیران دولتی که تا سال ۱۳۷۴ ده سال سابقه دارند می‌توانند بیایند. ما به آقای فاطمی‌زاده گفتیم بدون ذی حساب و ممیز نمی‌شود. بعد از این که جوانان آمدند بالا این لایحه رفت. اشکال اساسی ما این است که دولت برای ما تصمیم می‌گیرد کی کار کنیم و کی کار نکنیم. ۲۸ بند اساسنامه متصل به وزیر است. فقط دو تا کم مانده بود. یکی این که اعضای کارگروه کنترل کیفیت و هیأت انتظامی را بگویند حسابداران رسمی شریک مؤسسات انتخاب کنند. این می‌شود تعارض منافع یعنی من در یک کمیته حسابدار رسمی هستم، در شورای عالی هم هستم و می‌گویم آقای فلانی تو را من انتخاب کرده‌ام پس رأیات را به من بده. یکی این را کم داشتیم یکی هم این که جامعه مشاوران می‌گوید دو، سه نفر از هر کمیته باشند. من برای آقای خاندوزی سه ساعت نوار پر کردم. چون گفتند کارشناس و آسیب‌شناس است و نظر کارشناسی به کار می‌برد. مشکل ما این است که هر وزیری می‌آید و هر معاونی که می‌آید تغییراتی می‌خواهد بدهد. ما برای اساسنامه کارهای نیستیم. مگر شورای هفتم اساسنامه را نگذاشتید در دستور کارتان؟ مگر قرار نشد آقای اکرمی هم نظر بدهد؟ مگر نگفت اول من بنشینم ببینم و بعد ببرم در وزارتخانه؟ پس ایراد ما این است که اساسنامه خارج از اختیار ما است. اگر حرف‌های آقای پورابراهیمی درست باشد و نظر کارشناسی بگیرد می‌خواهند برای سرنوشت ما تصمیم بگیرند. بیایید آدم‌های حرفه را جمع کنید و بگویید می‌خواهید این کار را انجام بدهید. من برای آقای نادریان نامه نوشتم. بعد از ۴ دوره که عضو بود و مؤسسه ایشان بیش‌ترین تردد کارگروه کنترل کیفیت را داشت. پس فکر نکنید به خصولتی و مفید راهبر رحم می‌کنند. نخیر همان بلایی که سر پرونده‌های ایشان آمده سر پرونده بقیه هم آمده است. برای هیچ کس هم پارتی‌بازی نمی‌کنند. ما احتیاج داریم هر



تصمیمی می‌گیرند ما را آدم حساب کنند و صدایمان بزنند. می‌دانید ما چند ناظر داریم؟ کارگروه، هیأت عالی نظارت، شورا، رییس دیوان محاسبات و ...

◀ محمد رضا عربی مزرعه‌شاهی (پرسش خارج از میزگرد):

اعتقاد من این است که ما مشکل ساختار نداریم بلکه مشکل انتظار از حسابرس است. شکاف انتظارات است که ما را دچار این مشکلات کرده است. الان در همین بحث فولاد مبارکه به وجود آمده واقعا انتظاری که از حسابرس می‌رفته چه بوده است؟ با اتفاقاتی که در چند سال گذشته بر حرفه‌ی ما رفته الان هر کسی انتظار دارد که ما مدیر انطباق (compliance) او بشویم، از سازمان بورس که خودم آن‌جا سمتی داشتم تا بانک مرکزی و بیمه‌ی مرکزی و سازمان‌های نظارتی. هر کسی هر جایی مقرراتی تصویب کرد و دستورالعملی مصوب کرد انتظار دارد حسابرس آن را در گزارش خودش بنویسد یا در رسیدگی‌های خود اعمال کند. در حالی که باید به این نکته توجه کرد که ما حسابرسیم و حسابرس هم وظیفه‌اش مشخص است: طبق استانداردهای حسابرسی موظف است رسیدگی کند که صورت‌های مالی مطابق استانداردهای حسابرسی تهیه شده است یا خیر. نقش بازرس هم طبق قانون تجارت مشخص است. من تصورم این است که ما مسیر را داریم اشتباه می‌رویم که به اصلاح ساختارها فکر می‌کنیم. معتقدم باید روی اصلاح انتظارات کار کنیم. یعنی باید مشخص کنیم حسابرسی که وارد شرکت می‌شود چه انتظاری از او داریم؟ آیا انتظار داریم کلیه‌ی دستورالعمل‌های حاکم بر عملیات یک سازمان را رسیدگی کند؟ اگر این‌گونه است مشکلی نیست. ما در ابتدای هر دوره و سال مالی و سال بودجه‌ای که دولت دارد تمام این مقررات را به حسابرس دیکته کنیم و به او بگوییم برود انطباق‌ها را پیگیری کند. عملاً مدیر انطباق باشیم تا حسابرس. به نظر من مشکل این‌جاست و گرنه در گزارش اخیر فولاد مبارکه و شاید ده‌ها نمونه دیگر شبیه آن که در آینده مشخص می‌شود حسابرس از نظر حرفه‌ای‌گری حسابرسی مشکلی ندارد. همه‌ی بحث این است که حسابرس برود بگوید فلان جایی که پول پرداخت شده خلاف قانون بوده است. آیا واقعاً از حسابرس این انتظار وجود دارد؟ تصور من این است که بیش‌تر باید روی این حوزه کار کنیم تا این که بخواهیم ساختار را به هم بریزیم.

◀ مهرداد جباری:

جناب دکتر هشی. من هم در همین دانشکده درس خوانده‌ام و شاگرد اساتیدی مثل جنابعالی و دیگران بوده‌ام. من هم در همین حرفه دارم کار می‌کنم. فکر می‌کنم مشکل



اساسی ما این است که همیشه کلی گویی می کنیم. من تا جایی که سنم قد می دهد این جلسات سالانه را همیشه آمده ام و هر سال جنابعالی و دوستان دیگر دارید این بحث ها را می کنید. الان دیگر تاریخ را ورق زدن دردی دوا نمی کند. به عنوان یک بحث مشخص جناب دکتر نادریان یک پیشنهاد مشخص داده است. وزارت امور اقتصادی دارد کار حرفه ای می کند و آن ها هم همه حسابدارند. یک پیشنهاد مشخص حرفه ای آمده است. دو بار ما نامه زده ایم. اما نمایندگان حرفه در جلسه شرکت نکرده اند که موضوع بررسی شود. باید شرکت کنیم. داریم راجع به زمان حال صحبت می کنیم. الان شرایطی است که از نظرات استقبال می کنند. فعلاً باید این حرف را بزنیم. دیگر تاریخ را نباید ورق بزنیم و فعلاً باید بیایم مشارکت کنیم تا تصمیمات غیر حرفه ای گرفته نشود.

◀ سعید جمشیدی فر

مباحث این میزگرد را جمع بندی کنم. آقای نادریان درباره ی دغدغه هایی که در داخل ساختار جامعه هست طرح موضوع کردند؛ این که هیأت عالی نظارت می تواند تقویت شود و بحث تدوین مقررات و بازنگری در مقررات با این وضعیتی که وجود دارد. آقای دکتر ثقفی هم اشاره کردند که اصلاح از طریق ساختارهای جامعه و اساسنامه را با توجه به روند طولانی که معمولاً در روند قانونگذاری وجود دارد ترجیح می دهند.

آقای دوانی هم اشاره کردند که اصلاح را به ایجاد ترجیح می دهند و در عین این که باید از منابع خارجی استفاده کنیم واقعیت های موجود محیط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را هم باید در نظر بگیریم و کار تطبیقی انجام دهیم و صرفاً از مبانی وارداتی برای توجیه یا تحلیل های موضوعات بدون توجه به محیط خودمان استفاده نکنیم. جناب آقای کیهانی هم اشاره به نقش دیوان محاسبات کردند و کار تطبیقی ای که در کشورهای نمونه وجود دارد. ایشان تأکید دارند که ما در مورد مقررات و قانونی که الان پیش نویسش در دست تهیه است نگرانی داریم و کار باید به ترتیبی باشد که حمایت حسابرسان یکی از نکات اساسی اش باشد. در عین این که ما تماماً تلاش مان بر حرفه ای بودن است اما واقعیت موجود این است که جنس حرفه ای مان در فضای موجود بسیار ضعیف تر است. من زمانی نوشتم به واسطه ی اساسنامه ای که تنظیم شد کاریکاتوری از نهاد مستقل غیردولتی داریم. جناب جباری هم تأکید روی بحث های کارشناسی کردند که این تبادل افکار برقرار باشد تا امیدوار باشیم با توجه به زبان تخصصی بتوانیم مقررات مطلوبی به دست بیاوریم. نهایتاً فکر می کنم ممکن است که در بخش هایی نظر ما را نخواهند ولی ما متعهد و مکلف به تلاش هستیم و ناامید نیستیم و در بسیاری از موارد توانسته ایم این تصمیمات را به مسیر درست برگردانیم.